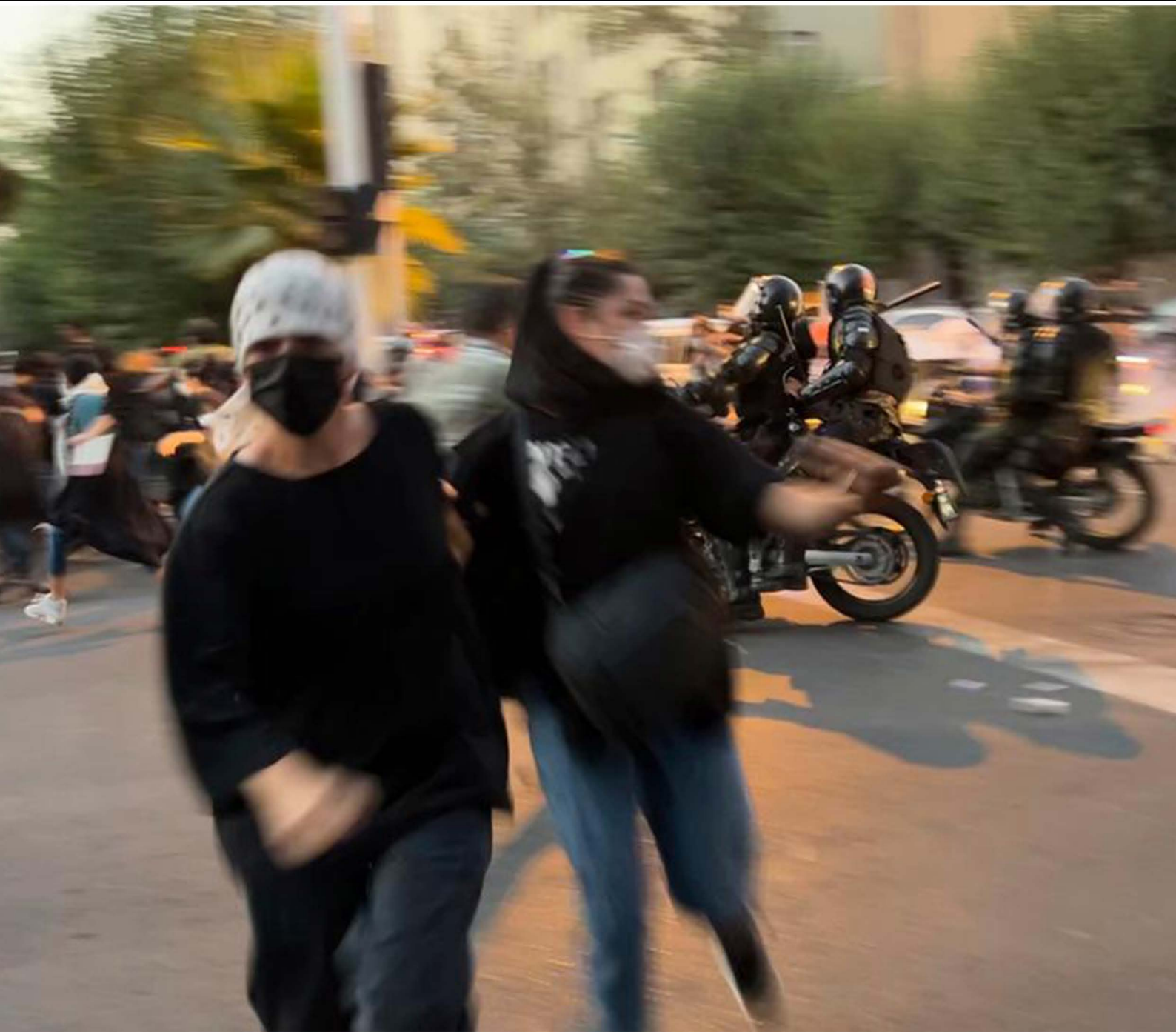


حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال هفتم، شماره ۲۶ / فروردین ۱۴۰۱ / ۱۵ آوریل ۲۰۲۳

عفو زندانیان در قوانین جزایی و حقوق ایران



در این شماره می‌خوانید:

منت «عفو» بر سر معترضان آزاد شده

عفو و تخفیف مجازات در قوانین حقوقی و جزایی جمهوری اسلامی ایران

نقش رییس قوه قضاییه در مسیر عفو محکومان یا تخفیف مجازات آنها چیست

بازداشت غیرقانونی معترضان و عفو ریاکارانه و غیرحقوقی آنان

چه کسانی در ایران مطابق قانون حق عفو محکومین را دارند

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سرمدبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نیره انصاری، علی اصغر فریدی، سیروان منصور

صفحه بندی: مهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



نیره انصاری

قابل اعمال نیست و تنها اجرای مجازات را در حدی که مورد عفو قرار گرفته است، موقوف می‌کند و پذیرش آن برای متهم (!) اجباری نیست.

این درخواست در ابتدا در هیئت‌هایی مطرح می‌شود که اعضای آنها عبارتند از رئیس دادگستری، قاضی تحقیق زندان و رئیس زندان. و سپس از اداره اطلاعات، ستاد مبارزه با مواد مخدر و... گزارش کاملی از وضع زندانی گرفته می‌شود. پس از انجام بررسی در کمیسیون عفو، رئیس کمیسیون فهرست اسامی زندانیان مستحق عفو را تقدیم رئیس قوه قضائیه می‌نماید و رئیس قوه قضائیه نیز حداقل ۱۵ روز پیش از یکی از مناسبت‌های عفو به رهبری پیشنهاد می‌کند. چنانچه رهبر موافقت نماید، این عفو به زندانیان اعطاء می‌شود. این عفو تنها در جرایم مستوجب تعزیر اعمال می‌شود و جرایم مستحق قصاص یا دیه مشمول عفو خصوصی نخواهند شد، در مورد مجازات حدی نیز با توجه به وجود شرایط خاصی از جمله توبه متهم در مواردی که با اقرار ثابت شده باشد، میسر است. افزون بر این محکوم متقاضی عفو نباید مرتکب جرائم زیر باشد: سرقت مسلحانه، قاچاق حرفه‌ای، محاربه، جرایم جاسوسی، اختلاس، قاچاق سلاح و مهمات، آدم‌ربایی، ارتش‌جرایم مستوجب حد شرعی اعدام و سنگسار (مانند زنا محصنه، زنا به عنف و لواط) به شرط اینکه جرم با شهادت شهود ثابت شده باشد.

همچنین ماده ۹۷ قانون مجازات اسلامی در فصل یازدهم، در خصوص «عفو عمومی/ عفو عام» است که برپایه این قانون در جرائم موجب تعزیر اعطا می‌شود و تعقیب دادرسی را موقوف می‌نماید. «عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر اعطاء می‌شود، تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می‌شود.» این نوع از عفو، همانگونه که از نامش پیداست به گروهی از زندانیان در خصوص یک جرم خاص اهدا می‌شود که تصمیم‌گیری در مورد آن از طریق مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد. این عفو تنها در جرایم مستوجب تعزیر اعمال می‌شود و جرایم مستحق قصاص یا دیه یا حدود مشمول عفو عمومی نخواهند شد. عفو عمومی از قواعد آمره است و نمی‌توان بر خلاف آن توافق و تراضی نمود.

علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در بهمن ماه ۱۴۰۱ با پیشنهاد «غلامحسین محسنی اژه‌ای»، رئیس قوه قضائیه برای آزادی برخی از معترضان زندانی و متهمان و محکومان

عفو اقدامی مبتنی بر اغماض و یا مصالح جامعه و فرد است که با تصویب نهادهای حکومتی اعم از نهاد رهبری یا مجلس قانونگذاری به منظور موقوف ماندن تعقیب متهمان و یا بخشودن تمام یا قسمتی از مجازات محکومان صورت می‌گیرد. براین اساس عفو، چشم‌پوشی مقامات کشور از اعمال گذشته تمامی یا گروه خاصی از افراد است که «مجرم» شناخته شده‌اند. به موجب ماده ۵۵ قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ دی ماه ۱۳۰۴ شمسی، «در جرائم سیاسی پادشاه می‌تواند نظر به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب رییس‌الوزراء تمام یا قسمتی از مجازات اشخاصی را که به موجب حکم قطعی محکمه صالحه محکوم شده‌اند عفو نماید و نیز می‌تواند در جرائم غیر سیاسی مجازات اشخاصی را که محکوم به اعدام شده‌اند تبدیل به حبس با اعمال شاقه نماید و مجازات سایر جرائم را یک درجه تخفیف دهد و یا قسمتی از آن را تا ربع عفو کند.»

بنابراین محکومیت‌های کیفری مربوط به پیش از تصویب لایحه قانونی عفو عمومی متهمان و محکومان کیفری مصوب ۱۸/۰۲/۱۳۵۸ در صورتی که بزه‌های موضوع این محکومیت‌ها از مستثنیات مصرحه در لایحه قانونی مذکور نباشد، فاقد آثار کیفری بوده و در صورت ارتکاب بزه جدید از ناحیه محکوم علیه رعایت مقررات مربوط به تکرار جرم جائز نیست و رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور که براساس این نظر صادر شده صحیح و موجه تشخیص می‌گردد.

همچنین ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، «عفو خصوصی» و به استناد بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی از اختیارات رهبر رژیم اسلامی است. این نوع عفو به صورت موردی و در مناسبت‌هایی مانند دهه فجر، عید نوروز، نیمه شعبان و ولادت‌های ائمه به زندانیانی که شرایط خاصی دارند از سوی رهبر اعطا می‌شود. خود زندانیان یا خانواده آن‌ها و یا قاضی می‌توانند درخواست عفو را به رئیس زندان بدهند و البته مختص مرحله پس از صدور حکم قطعی است و پیش از آن

منت «عفو» بر سر معترضان آزاد شده



دادگاه‌های عمومی، دادگاه‌های انقلاب و سازمان قضایی نیروهای مسلح موافقت کرده، و به غلط از اصطلاح «عفو» برای آن استفاده کرده است. [اعطای «عفو»](#) به افراد بازداشت شده و حتی متهمان، از منظر حقوقی نادرست و تنها بازی رژیم اسلامی با کلمات است.

عفو تنها زمانی معنا دارد که محکومیت قطعی از سوی دادگاه وجود داشته باشد. محکوم از سوی دادگاه اگر از سوی حکومت از مجازات معاف و بخشیده شود، در اصطلاح قضایی مشمول عفو شده است. برای همین اگر یک فرد معترض مدتی بازداشت و سپس آزاد شود، او عفو نشده، بل، به بازداشت احتمالا غیرقانونی او خاتمه داده شده است.

حتی اگر فردی پس از بازداشت و تشکیل پرونده از سوی ضابط قضایی به دادستانی ارجاع شود، اما دادسرا او را متهم تشخیص ندهد، این فرد اصطلاحاً «منع تعقیب قضایی» گرفته همچنان اصطلاح «عفو» برای او کاملاً اشتباه است. از این پیش، وقتی فردی بازداشت و سپس با تشکیل پرونده در دادسرا تفهیم اتهام شود، اما در دادگاه محکوم نشود، باز هم عفو نشده، بل، اصطلاح درست این است که «تبرئه» شده است.

تکان‌دهنده است که غلامحسین محسنی اژه‌ای به‌عنوان بالاترین مقام قضایی جمهوری اسلامی، از قول علی خامنه‌ای، پایان بازداشت شهروندان دستگیر شده یا منع تعقیب آن‌ها را «عفو» رهبری عنوان می‌کند، که اصطلاحی به حیث حقوقی اشتباه و از نظر سیاسی منتی بی‌جا بر سر شهروندان بی‌گناه است.

اگر فرد معترضی از سوی ماموران جمهوری اسلامی بازداشت شده باشد، به فرض اینکه بازداشت وی قانونی انجام شده، ادامه بازداشت پس از ۲۴ ساعت بدون حکم قاضی غیرقانونی است. با حکم قاضی هم تنها می‌توان این فرد معترض را به مدت ۳۰ روز در بازداشت موقت نگه داشت.

اگر فردی بدون حکم قاضی زیر ۳۰ روز و با حکم قاضی بیش از این مدت بدون تفهیم اتهام در بازداشت موقت باشد، قوه قضاییه جمهوری اسلامی تخلف کرده و می‌توان از ماموران خاطی و متخلف به دادسرای انتظامی قضات، یا اگر از سوی نهاد نظامی در بازداشت نگه داشته شده باشد، به سازمان قضایی نیروهای مسلح شکایت کرد.

به جای پاسخگویی جمهوری اسلامی به این گروه از شهروندان

که قربانی عملکرد غیرقانونی حکومت شده‌اند، منت «عفو رهبری» بر سر معترضان آزاد شده، گذاشته شده است. بر پایه قانون اساسی، رهبر جمهوری اسلامی تنها اختیار «عفو خصوصی» محکومان را دارد و اعطای عفو به «متهمان» که اساساً اشکالات حقوقی جدی دارد، از اختیارات او نیست.

عفو بازداشتی یا متهمی که نیازمند توبه‌نامه و ابراز پشیمانی اوست، در حالی که او اساساً در دادگاهی محکوم نشده، خلاف اصل برائت بوده و در تعارض با [اصل ۳۷م قانون اساسی](#) است که تصریح می‌نماید: «هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود».

عفو تنها شامل فردی می‌شود که به‌طور قطعی از سوی دادگاه «محکوم» شده باشد. یعنی از طرف دادگاه بدوی محکوم شده باشد و تجدیدنظر خواهی نکرده باشد؛ یا اینکه حکم محکومیت او از سوی دادگاه تجدیدنظر هم تایید شده باشد.

با توجه به موارد بیان شده در بالا، افرادی که محکومیت‌های قطعی گرفته بودند و از جمله زیر حکم اعدام هستند، نه تنها «عفو» نشده‌اند، بل، برخی از محکومان برای اجرای حکم زندان، از سوی قوه قضاییه فراخوانده شده‌اند.

بنابراین می‌توان بیان داشت که این یک رویه نادرست قانونی است که قرار بود برای این خودسری‌های و کسانی که بنا بر سلیقه از عفو محروم کردند، اقدامی صورت گیرد و هنگامی که ضابطی درخواست غیرقانونی دارد، این دستگاه قضاست که می‌تواند به قضات دستور داده و درخواست‌ها را اعمال نکنند. اکنون پرسش‌ها این است که آیا ضوابط عفو گسترده ی اعلام شده، باید با نظر ضابط اخذ شود؟ در کدام بخش از ضوابط عفو، اعلام شده که مشمولان باید تعهدی را امضا کنند؟ در واقع افرادی که تعهدنامه را امضا نکردند هم باید مشمول عفو شوند. اگرچه متن این تعهدنامه نامعقول و دارای ایرادهای حقوقی است. برای نمونه؛ یکی از بندهای متن تعهد نامه مربوط به «عدم شرکت فرد» در کلیه تجمعات است، حال آنکه به موجب اصل ۲۷ قانون اساسی برگزاری تجمعات یک حق قانونی برای هر شهروند است. از دیگر فراز اژه‌ای می‌کوشد برای قوه قضاییه اعتبار سازی کند، اما این اقدامات نسنجیده و مغایر قانون، اعتبار نهاده قضا و... را خدشه‌دار می‌کند.

عفو و بخشش در نظام حقوق کیفری بین المللی

اما در نظام حقوق بین الملل و در فرهنگ حقوقی بین المللی، عفو را تصمیم حاکمیت یک کشور مبنی بر بخشش و عدم تعقیب کسانی تعریف کرده است که در یک دوره درگیری یا جنگ، مرتکب جرم شده‌اند. البته تحولات اخیر مؤثر در کیفری شدن حقوق بین‌الملل و قوت گرفتن اصل صلاحیت جهانی موجب گشته است تا مشروعیت عفو، مورد تردید قرار گیرد و تنها عفوهای مشروط از استقبال و پذیرش جامعه بین‌المللی برخوردار شوند. اعطای «عفو» یکی از مباحث «عدالت انتقالی» است که در دوره «دولت انتقالی» در دوران گذار، با تاسیس نهاده «عدالت انتقالی» و تشکیل دادگاه‌های کیفری ویژه به رسیدگی و محاکمه حاکمان که در گذشته علیه مردم جامعه اشان مرتکب جنایات علیه بشریت، جرائم جنگی، ژینوسید و تجاوز شده‌اند، می‌پردازد؛ که نیاز برخی جوامع در حال گذار به سوی صلح و ثبات است تا موجب جلوگیری از وقوع خشونت‌های جدید شده و روند آشتی و بازسازی را تسریع نماید. بر اساس این رأی آثار محکومیت کیفری که شامل مجازات‌های تبعی نیز می‌باشد. جامعه بین‌المللی، عفو‌هایی را مورد شناسایی و تأیید قرار می‌دهد که حداقلی از معیارهای مشروعیت را داشته باشند. این رویکرد، راه حلی برای فائق آمدن بر چالش حقوق بین‌الملل نوین در تطبیق با حقوق بشر از سویی و ایجاد ثبات در روابط بین‌الملل از سویی دیگر است.

حال آنکه بر اساس [مقررات کیفری بین‌المللی](#)، هر شخصی که از آزادی خود محروم شده است، باید با احترام و شایستگی با او رفتار شود. همچنین بر اساس [مقررات کیفری بین‌المللی](#)، مجازات‌های قانونی، به دو دسته تقسیم می‌شوند: "مجازات‌های اصلاحی" و "مجازات‌های انتقامی". در حالت کلی، مجازات‌های اصلاحی شامل تلاش برای بازگشت به جامعه و تغییر رفتار محکومان است. در حالی که مجازات‌های انتقامی شامل تنبیه و پاداش است.

مجازات‌های اصلاحی شامل تلاش برای بازگشت به جامعه و تغییر رفتار محکومان است. این مجازات‌ها شامل آموزش و پرورش، کارآموزی، درمان، مشاوره و پشتیبانی اجتماعی است. بخشش «محکوم» و نه «متهم» جزو مجازات‌های اصلاحی در قانون کیفری بین‌المللی نیست. [اما برخی کشورها، مانند آمریکا، کانادا، استرالیا، انگلستان و نیوزیلند در قوانین داخلی خود، بخشش را به عنوان یکی از مجازات‌های اصلاحی در نظر](#)

[گرفته‌اند](#). همچنین کشور در سوئد، مجازات‌های اصلاحی با هدف، بازگرداندن متخلفان به جامعه و تغییر رفتار محکومان است، [برای این منظور، برنامه‌هایی برای توسعه مهارت‌های شغلی و آموزش‌های روانشناختی و اجتماعی در نظر گرفته شده است. که شامل تحمل هزینه‌های خسارت و پرداخت جریمه است.](#) این مجازات‌ها آموزش و پرورش، کارآموزی، درمان، مشاوره و پشتیبانی اجتماعی را دربر می‌گیرد. [در انگلستان نیز به موجب قانون جزایی، برنامه‌هایی برای بازگرداندن متخلفان به جامعه وجود دارد.](#)

فرجام سخن

فراتر از این موارد، اعمال عفو گسترده‌ای که توسط علی خامنه‌ای در بهمن ۱۴۰۱ صورت گرفته با سلیقه‌ای عمل کردن ضابطین و سطوح میانی قوه قضائیه روبه‌رو شده است. سال گذشته در اعتراضات سراسری که منجر به بازداشت بسیاری از جمله معترضان، روزنامه‌نگاران، فعالان حقوقی و سیاسی و اجتماعی، هنرمندان، نویسندگان، فرهنگیان، مردم عادی، دانشجویان و... شد و برپایه آمارهای غیررسمی و رسمی هزاران هزار تن بازداشت و زندانی شدند. گرچه می‌توان گفت که از عوامل مهم عفو رهبر رژیم اسلامی، همانا:

۱- کاستن جمعیت کیفری زندان‌ها و و در برخی زندان‌ها دو برابر ظرفیت زندانی نگهداری می‌شود. نیز ۲- مشکلات مربوط به کسری بودجه‌ای که دولت در اختیار سازمان زندانها قرار داده از یک سو ۳- و با توجه به تورم و افزایش قیمت‌ها به ویژه در حوزه مواد غذایی، که امکان توزیع خوراک و غذای سالم و کافی در میان زندانیان وجود ندارد.

در حقیقت با توجه به آنچه پیشتر گفته شد، و با در نظر داشتن اینکه نهاده قضایی و محاکم در ایران بیانگر نوعی نگاه حقوقی به یک حاکمیت فقهی است و نه آن نگاه حقوقی دائر بر دادگاهی عادلانه، انسانی، بخشش‌گرایانه، و به موجب مکانیزم‌های حقوقی بین‌المللی، می‌خواهد بنگرد به مرکز یک نظام حقوقی که حتا به دلیل گزاره‌های مدنی شهروندان را مستوجب مجازات می‌داند! این «عفو رهبری» معنای کودکانه دارد و شدیدترین مجازات‌ها هم همراه با نگاه خشمگینانه است.

عفو و تخفیف مجازات در قوانین حقوقی و جزایی جمهوری اسلامی ایران



در رابطه با عفو در قوانین ایران، مجله حقوق ما با محمد مقیمی، حقوقدان و وکیل دادگستری مصاحبه‌ای انجام داده که متن کامل این مصاحبه در زیر آمده است.



علی اصغر فریدی

عفو در قوانین جزایی و کیفری ایران چگونه تعریف شده و چند نوع عفو در قوانین جزایی ایران وجود دارد؟

در قوانین ایران دو نوع عفو وجود دارد. عفو خصوصی و عمومی

الف- عفو خصوصی تصمیمی است که با پیشنهاد رئیس قوه قضاییه و موافقت بالاترین مقام اجرایی کشور یعنی رهبری گرفته می‌شود و به موجب آن تمام یا قسمتی از مجازات محکومان بخشوده یا به مجازات خفیف‌تری تبدیل می‌گردد. به موجب بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی، عفو یا تخفیف مجازات محکومیت در حدود موازین اسلامی، جزو وظایف و اختیارات رهبری به شمار می‌رود که این امر پس از پیشنهاد رئیس قوه قضاییه صورت می‌گیرد. حق اعطای بخشودگی از جمله اختیارات مقام رهبری است که در رد یا قبول آن مختار است.

ب- منظور از عفو عمومی، سیاستی است که قانونگذار (مجلس) برای زوال محکومیت و اثرات آن در خصوص محکومان و بزهکاران اتخاذ می‌شود. عفو عمومی همه مجازات‌های تعزیر را شامل می‌شود. برابر ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی تخفیف مجازات یا بخشیده شدن کامل مجازات باید مطابق موازین اسلامی باشد.

در حقوق اجتماعی مطابق اصل ۱۱۰ قانون و ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲۵ قانون مجازات‌های اسلامی در مورد نوع خصوصی تخفیف مجازات و در مواد ۹۷ و ۹۸ همین قانون در مورد عفو عمومی بحث شده است. شایان یادآوری، جمهوری اسلامی از آغاز پیدایش تاکنون هیچگاه از عفو عمومی استفاده نکرده است.

به طور کلی عفو در قوانین جمهوری اسلامی به ۲ دسته تقسیم می‌شوند: عفو عمومی شامل جرایم تعزیری است که با تصویب مجلس، عده‌ای از مجرمان از تحمل تمام یا بخشی از محکومیت خود رهایی می‌یابند. از این رو با اجرای عفو، مجازات‌ها متوقف و آثار تبعی آن از بین می‌روند. و دوم عفو خصوصی یا عفو رهبری است که با تصویب رهبر جمهوری اسلامی ایران اجرا می‌شود. این نوع عفو بنا به شرایط پرونده افراد اعمال می‌گردد. مستند قانونی اجرای عفو خصوصی، ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی و و بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی است.

محکومان برای آنکه از قانون عفو بهره مند شوند باید شرایط لازم را داشته باشند، این شرایط در بخشنامه تعیین می‌شود. برای مثال در بخشنامه پیشین اولین شرط این بود که متقاضی عفو، بیشتر از دو فقره محکومیت کیفری موثر نداشته باشد. دوم آنکه شاکی خصوصی نداشته باشد و یا اگر دارد رضایت وی را جلب کند و سوم آنکه در مدت حبس یا مرخصی مرتکب جرم دیگری نشده باشد، جرم مذکور شامل جرائم درجه یک تا پنج ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی است. البته قانون عفو در برخی جرائم قابل اجرا نیست، درباره حدود در جرائم خاص با در نظر گرفتن شرایط ویژه و توبه مجرم، عفو اعمال می‌گردد.

نکته دیگر آنکه در عفو عمومی، تنها کسانی مشمول عفو می‌شوند که قبل از تصویب قانون عفو، حکم نهایی ایشان صادر شده باشد. بنابراین متهمان و کسانی که پرونده ایشان در دست رسیدگی است مشمول عفو نخواهند شد.



چه افرادی عضو کمیسیون‌های مرکزی و استانی عفو و تخفیف مجازات محکومین چه کسانی هستند؟

ماده ۲ آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومان مصوب ۱۳۸۷/۹/۱۲ رییس قوه قضاییه مقرر می‌دارد: «کمیسیون مرکزی مرکب از پنج نفر قضات آشنا به احکام شرع انور و قانون با پایه قضایی ده به بالا تشکیل می‌گردد که توسط رییس قوه قضاییه برای مدت پنج سال منصوب می‌شوند.

برابر ماده ۴ قانون یادشده کمیسیون استانی مرکب از رییس کل دادگستری استان، نماینده حوزه نظارت قضایی ویژه قوه قضاییه مستقر در استان، دادستان مرکز استان و مدیرکل زندان‌های استان به ریاست رییس کل دادگستری استان تشکیل می‌گردد. جلسات کمیسیون با حضور سه نفر از اعضا رسمیت خواهد یافت و تصمیمات با سه رأی ۲/۲۴ موافق معتبر است.

نقش رییس قوه قضاییه در مسیر عفو محکومان یا تخفیف مجازات آنها چیست؟

در واقع، برابر قانون رئیس قوه قضاییه باید افرادی که واجد شرایط قانونی هستند را به رهبر پیشنهاد دهد و در صورت موافقت رهبر این اشخاص مشمول عفو خواهند شد.

عفو رهبر جمهوری اسلامی چیست و چگونه عمل می‌کند؟

عفو رهبری جنبه خصوصی دارد و با در نظر گرفتن شخصیت مجرم، جزئیات پرونده وی، حسن رفتار و احتمال اصلاح وی اعمال می‌شود. برای این منظور، رئیس قوه قضاییه با بررسی پرونده محکومان عفو را به رهبری پیشنهاد می‌کند. پس از آن، با پذیرش رهبری قانون عفو اجرا می‌شود. البته منظور قانونگذار مجرمان و بزهکاران جرایم عادی بوده

است. در واقع، در جهان امروز متهم و جرم نباید وجود داشته باشد و اعتراض، انتقاد و مخالفت با حکومت نه تنها جرم نیست، بلکه جزو حقوق اساسی شهروندان محسوب می‌شود. بنابراین، تاسیس عفو خصوصی برای مجرمان جرایم عادی است و از نظر حقوقی استفاده از آن برای اشخاصی که جرمی مرتکب نشده‌اند و بطور غیرقانونی بازداشت و محاکمه شده‌اند، مبنای حقوقی ندارد و این اشخاص باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند.

تا جایی که من به یاد دارم زندانیان سیاسی مشمول عفو عمومی رهبر جمهوری اسلامی قرار نمی‌گرفتند و عفو‌هایی که به مناسبت‌های مختلف، از جمله عید قربان و سایر اعیاد مذهبی صادر می‌شد، بیشتر شامل محکومین غیرسیاسی بود، اما در اعتراضات اخیر ایران در ۱۴۰۱ تعداد زیادی از بازداشتی‌ها و زندانیان مشمول عفو رهبر قرار گرفتند، به نظر شما این اقدام به چه دلیلی صورت گرفته است؟

عفو رهبری در خصوص زندانیان سیاسی نیز بسیار محدود اجرا می‌شده است، اما پس از خیزش مردم جمهوری اسلامی به دلیل اینکه شمار بازداشت‌شدگان و زندانیان سیاسی بسیار بالا بود و در عمل با کمبود زندان و هزینه روبرو بود و از سویی دیگر، با توجه به اینکه وجهه جمهوری اسلامی در افکار عمومی بین‌المللی بسیار بی‌اعتبار شده است، قصد دارد با اعمال این عفوها وجهه خود را نزد افکار عمومی بین‌المللی ترمیم کند.

نقش رییس قوه قضاییه در مسیر عفو محکومان یا تخفیف مجازات آنها چیست



است که در واقع رییس قوه قضاییه در اعیاد و مناسبت‌های مذهبی یا روزهایی که از نظر سیاسی برای جمهوری اسلامی مهم است، لیستی از اسامی محکومینی را که باید مشمول عفو قرار بگیرند را تهیه و به رهبر ارائه می‌دهد تا با اعلام موافقت با عفو، موجبات آزادی یا تخفیف و یا تبدیل مجازاتشان فراهم شود.



سیروان منصوری

عفو و تخفیف مجازات محکومین در نظام‌های قضایی دنیا به امری بدیهی تبدیل شده است، به گونه‌ای که بسیاری از کشورها برای آن ساز و کارهای قانونی تعریف کرده‌اند و آن را در سیستم قضایی کشورهای خود گنجانده‌اند. این امر حتی آنقدر از اهمیت برخوردار است که در معاهدات بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی مخصوصاً در بحث حق حیات در مورد لغو حکم اعدام به آن تصریح شده است. حکومت جمهوری اسلامی ایران هم بعد از روی کارآمدن خود چنین مکانیسمی را در نظر گرفته است، از جمله برای این منظور کمیسیونی را به اسم کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین با تصویب آیین‌نامه آن در سال ۱۳۸۷ تشکیل داد که بعداً اصلاحات و الحاقات دیگری به آن اضافه شد. در این کمیسیون که هم در مرکز و هم در استانها تشکیل می‌شود اعضای آن، محکومین واجد شرایط را برای عفو یا تخفیف مجازات در یک پروسه به رییس قوه قضاییه معرفی کرده و او هم لیست اسامی را برای به اجرا درآمدن در مناسبت‌های مذهبی و اعیاد خاص، به نزد رهبر حکومت می‌فرستد. در این نوشتار، شرایط و ضوابط این عفوها، نحوه کار کمیسیون، و همچنین عفوهای اخیر رهبر ایران درباره معترضین اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ را از زبان خانم مهناز پراکنده، حقوقدان و مدافع حقوق بشر، جویا می‌شویم و در این باره با ایشان به بحث می‌نشینیم:

عفو رهبر جمهوری اسلامی چیست و چگونه عمل می‌کند؟
طبق بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، یکی از اختیارات و وظایف رهبر، اعمال عفو و بخشودگی محکومیت یا تخفیف یا تبدیل مجازات محکومین است که این امر به پیشنهاد رییس قوه قضاییه به عمل می‌آید و نحوه عملکردش هم به این ترتیب

در اعتراضات اخیر ایران در ۱۴۰۱ دیدیم که تعداد زیادی از بازداشتی‌ها و زندانیان مشمول عفو رهبر قرار گرفتند، آیا این مسبوق به سابقه است؟

خیر، تا آنجایی که من به یاد دارم، تا الان در مورد متهمین سیاسی و به عبارت روشن‌تر بازداشت‌شدگان و مخالفان سیاسی رژیم و حتی معترضان و منتقدان به سیاستهای رژیم، همچنین اتفاقی نیفتاده است. البته در مقطعی از دهه ۶۰ در سالهای ۶۴ و ۶۵ بعد از کشتار مخالفان در زندان‌های کشور و مخالفت‌های آشکار و نهان آیت‌الله منتظری با صدور احکام اعدام و حبس‌های سنگین، تعدادی از زندانیان سیاسی به همت آیت‌الله منتظری مشمول عفو قرار گرفتند که البته با همین عفو بعضی‌هایشان آزاد شدند و بعضی‌هایشان مجازات‌هایشان تخفیف پیدا کرد. مواردی استثنایی و موردی هم در مورد زندانیان سیاسی وجود داشته است که در سالهای قبل زندانیان سیاسی شناخته شده بودند که در مورد بعضی از اینها اعمال شده و علتش هم این بوده که حکومت برای کم کردن فشار بین‌المللی، در واقع با اعلام عفو موجبات آزادی آنها را فراهم کرد. ولی همانطور که گفتم اینها موارد موردی هستند که انگشت‌شمار هستند. در مورد دستور عفو اخیر باید این توضیح را بدهم که به نظر می‌آید این اقدام صرفاً جنبه نمایشی داشته و هدف از آن هم به زعم دست‌اندرکارانش همین نمایش عطف و رافت نداشته عوامل رژیم مخصوصاً رهبر است که این را به وابستگان داخلی خودشان القا کنند و یا مراجع و مقامات بین‌المللی را از این امر خنثی‌کنند. چرا می‌گویم نمایشی بوده است، برای اینکه اولاً عفو زمانی معنا پیدا می‌کند که به واقع جرمی صورت گرفته شده باشد و طی یک دادرسی عادلانه، محکومیتی هم صادر شده باشد. حالا بنا به دلایلی با عفو آثار محکومیت صادره را ساقط می‌کنند، در صورتی که بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر

هستند و باید از آنها تبعیت شود، در واقع یک سری از تعهدات بین‌المللی هم هستند که کشورها متعهد به اجرای مفاد آن هستند، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین که دولت ایران هم به این معاهدات پیوسته و متعهد به اجرای مفاد آن است، بنابراین یکی از این قوانین، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است که در بند ۴ ماده ۶ آن، برخورداری از عفو را برای محکومان به اعدام به عنوان حقی به موازات حق حیات قلمداد کرده است، حق حیات جزو بند یک ماده شش است، بنابراین عفو یک نهاد حقوقی است که قبل از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی و قوانین جزایی در ایران به عنوان یک حق شناخته شده است. همچنین بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و مواد ۹۶، ۹۷، ۹۸ و ۲۱۹ قانون مجازات اسلامی و بند ۴ ماده ۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری، ناظر به مساله عفو و بخشودگی محکومیت‌هاست.

آیا محکومینی که شاکی خصوصی دارند هم می‌توانند مشمول این عفوها قرار گیرند؟

بله، شامل آنها هم می‌شود به شرطی که رضایت شاکی خصوصی جلب شود و جبران خسارت به عمل آمده باشد و ضرر و زیانهای وارده به شاکی خصوصی تامین شده باشد.

چرا بیشتر در مناسبت‌ها و اعیاد مذهبی این احکام عفو صادر می‌شود؟ آیا حکومت از تعیین این مناسبت‌ها، اهداف خاصی را دنبال می‌کند؟

حکومت در واقع هدف خاصی را دنبال می‌کند، بدیهی است که هدف حکومت از تعیین اعیاد و مناسبت‌های مذهبی، در واقع تقدس بخشیدن و توجه دادن به مبارک و متبرک بودن این اعیاد و مناسبت‌ها نزد مردم است، اعم از اینکه مسلمان یا غیر مسلمان باشند. مردم این اعیاد و مناسبت‌ها را مورد توجه قرار می‌دهند و منتظر فرارسیدنشان می‌مانند که پیام عفو و یا آزادی تعدادی از این زندانی‌ها را در این ایام بشنوند، علاوه بر اینکه در ایام اعیاد و مناسبت‌ها عفو صادر می‌شود، در روزهای خاصی هم مثل ۱۲ فروردین و ۲۲ بهمن که از نظر سیاسی برای جمهوری اسلامی مهم است، عفو زندانیان در این روزها هم مطرح است.



تخفیف مجازات آنها چیست؟

طبق آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین که مصوب سال ۱۳۸۷ با الحاقات و اصلاحات بعدی است، در مرکز و در استانها کمیسیونی به همین اسم تشکیل می‌شود. اشخاصی که می‌توانند درخواست عفو بدهند، محکوم علیه، والدین، همسر و فرزندانش، وکیل محکوم علیه، رییس دادگستری، دادستان مربوطه یعنی دادستان استان یا شهرستان، قاضی ناظر زندان که محکوم علیه در آنجا تحمل محکومیت میکند و رییس زندان می‌توانند درخواست عفو زندانی را بدهند. هرکدام از این اشخاص حق دارند که نسبت به اسقاط یا تخفیف محکومیت زندانی درخواست بدهند. این درخواست‌ها و اسناد و مدارک، دلایل و تحقق یا عدم تحقق شرایط عفو، اول در کمیسیون استانی مربوطه بررسی می‌شود و نسبت به آن اظهارنظر می‌شود، و بررسی می‌کنند که آن مورد شامل عفو می‌شود یا خیر، سپس تصمیم‌گیری می‌کنند. به این مرحله، مرحله بدوی یا نخستین گفته می‌شود. تصمیمات مرحله بدوی به کمیسیون

جرمی مرتکب نشده بودند که بازداشتشان جنبه قانونی داشته باشد. دوم اینکه اقدامات بعدی قوه قضائیه و اخبار مربوط به احضار بسیاری از این مشمولان عفو به دادسرا و دادگاه خودش به روشنی نشان می‌دهد که این اقدام یعنی اعلام عفو از نظر حقوقی و قانونی فاقد آثار عفو است، یعنی این عفو مورد ادعا نه تنها موجب سقوط مجازات، موقوفی تعقیب، بسته شدن پرونده و از بین رفتن آثار محکومیت آنها نشده است، بلکه احضارهای بعدی این آزادشدگان به مراجع قضایی، خود این فی‌نفسه نشان می‌دهد که این افراد پرونده باز دارند، پرونده‌شان بسته نشده، قرار موقوفی تعقیب نسبت به پرونده‌هایی که در مرحله تحقیقات بوده صادر نشده، مجازات اینها ساقط نشده و خود عمل احضار این افراد به مراجع قضایی، یک نوع اذیت و آزار و شکنجه روحی و روانی است که شامل حال خود مشمولان عفو و خانواده‌ها و وابستگان‌شان هم می‌شود.

نقش رییس قوه قضائیه در مسیر عفو محکومان یا

مرکزی ارسال می‌شود تا تصمیمات نهایی در آنجا اتخاذ شود. کمیسیون مرکزی هم بعد از بررسی و تایید موارد عفو، لیستی از اسامی پذیرفته‌شدگان را تهیه می‌کند و به رییس قوه قضائیه می‌دهد. رییس قوه قضائیه هم این لیست را در اختیار رهبر قرار می‌دهد تا فرمان اجرای آن صادر شود. البته رییس قوه قضائیه در یک مورد طبق ماده ۲۰ آیین‌نامه کمیسیون، خود شخصا می‌تواند اقدام کند و آن مورد هم این است که ممکن است شخصی یا محکومی شرایط عفو مندرج در آیین‌نامه را نداشته باشد، ولی عفو ضرورت داشته باشد، در این صورت رییس قوه قضائیه می‌تواند خارج از پروسه و به صورت جداگانه، فقط با ذکر علل و اینکه چرا ترجیح می‌دهد که این فرد مشمول عفو شود، پیشنهادش را به رهبر ارائه می‌دهد.

کدام مواد قانونی کیفری یا مجازات اسلامی، حدود این عفوها را مشخص می‌کند؟

در کشورها فقط مواد قانونی مصوب نیستند که در واقع لازم‌الاجرا

بازداشت غیرقانونی معترضان و عفو ریاکارنه و غیرحقوقی آنان



علی اصغر فریدی

مجازات‌های قصاص و دیه به دلیل آنکه از حقوق الناس تلقی

می‌شود از شمول عفو به طور کلی مستثنی است، در مورد مجازات‌های حدود هم فقط در موارد خاص از جمله مواد ۷۲، ۱۲۶، ۱۸۲ قانون مجازات اسلامی و به شرط توبه، پس از آنکه جرم با اقرارمتهم به اثبات رسید ممکن است شمول عفو قرار گیرد. چون عفو خصوصی ناظر بر احکام قطعی است لذا احکام غیابی قابل واخواهی یا احکام قابل تجدید نظر نمی‌تواند شمول عفو خصوصی قرار گیرد.

عفو خاص شامل کسانی می‌شود که به موجب حکم دادگاه محکومیت‌شان قطعی شده و قابل اجراء گردیده، لذا احکامی که به مرحله قطعیت و لازم‌الاجرا شدن نرسیده شامل نمی‌شود. همچنین مطابق آئین‌نامه بخشودگی و عفو مقرر شده اعطای عفو به تحمل بخشی از مجازات مشروط شده و یا حکم محکومیت در جال اجرا باشد.

از طرفی استفاده محکومان از عفو خاص باید استحقاق آنها اجرا بشود که آیا بزهکار اصلاح کرده و مجازات تاثیر گذاشته یا نه؟ لذا با در نظر گرفتن اوضاع اجتماعی روانی تک تک محکومان و اطمینان خاطر از رفتار آتی آنها مشمول عفو قرار می‌گیرند.

طبق ماده ۲ آئین‌نامه ۲۷۱ عفو، بخشودگی اعطای عفو منوط به درخواست محکوم علیه و یا خانواده او یا قاضی برای حکم یا رئیس زندان محل گذران حکم است. در خواست‌های مذکور باید ابتدا در هیئت‌های مراکز استان و شهرستان مرکب از رئیس دادگستری - قاضی تحقیق زندان - و رئیس زندان بررسی بشود و پس از اخذ نظریات اداره اطلاعات ستاد مبارزه با مواد مخدر و غیره گزارش کاملی از وضع محکومان عفو ارسال می‌شود.

پس از بررسی‌هایی در کمیسیون عفو رئیس کمیسیون عفو فهرست اسامی محکومان مستحق عفو را به رئیس قوه قضائیه ارسال و رئیس قوه قضائیه حداقل ۱۵ روز قبل از یکی از مناسبت‌های عفو، که معمولاً اعیاد مذهبی و ولادت امامان شیعه است، به رهبر جمهوری اسلامی پیشنهاد می‌کند. بنابه ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، و به استناد بند ۱۱ اصل ۱۱۰

بنابه قانون اساسی، رهبر جمهوری اسلامی تنها اختیار عفو خصوصی محکومان را دارد و اعطای عفو به متهمان که اساساً اشکالات حقوقی جدی دارد، از اختیارات او نیست. از طرفی عفو بازداشتی یا متهمی که نیازمند توبه‌نامه و ابراز پشیمانی اوست، در حالی که او اساساً در دادگاهی محکوم نشده، خلاف اصل برائت بوده و در تعارض با اصل ۳۷ قانون اساسی ایران است. از طرفی، برخی از معترضان که محکومیت قطعی گرفته‌اند و از جمله کسانی که برایشان حکم اعدام صادر شده و به اصطلاح زیر حکم اعدام هستند، نه تنها عفو نشده‌اند بلکه هر آن احتمال اجرای حکم آنها هم وجود دارد.

نوشته بالا بخشی از سخنان سمیه نادری، حقوقدان و وکیل دادگستری است با مجله حقوق ما در مورد عفو در قوانین جزایی ایران و عفو اخیر رهبر جمهوری اسلامی در مورد بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر، متن کامل این مصاحبه در زیر آمده است.

عفو در حقوق به چه معنا است و در حقوق جزا، چند نوع عفو داریم؟

در حقوق جزا عفو به معنای اقدامی است که با تصویب نهادهای حکومتی و به منظور موقوف ماندن تعقیب متهمان و یا بخشودن تمام یا قسمتی از مجازات محکومان صورت می‌گیرد. در قانون جزا ما دو نوع عفو داریم که عبارتند از عفو خصوصی یا عفو خاص و عفو عمومی یا عفو عام.

در قوانین ایران، عفو خاص، تصمیمی است که با پیشنهاد قوه قضائیه و موافقت رهبری جمهوری اسلامی شکل می‌گیرد و به موجب آن تمام یا قسمتی از مجازات محکومان بخشوده و یا به مجازات خفیف‌تری تبدیل می‌گردد که در بند ۱۱ اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون مجازات اسلامی آورده شده است که از اختیارات رهبری جمهوری اسلامی به حساب می‌آید.

عفو خصوصی شامل مجازات‌های تعزیری و بازدارنده می‌شود و

قانون اساسی ایران، عفو خصوصی از اختیارات رهبری جمهوری اسلامی به حساب می‌آید.

عفو عمومی به چه معنی است و چه تفاوتی با عفو خصوصی دارد؟

اجازه بدهید توضیح خواهم داد، در عفو عمومی به حکم قانون، دادرسی و یا اجرای حکم، موقوف و آثار تبعی و تکمیلی حکم قطعی زایل شده و آثار محکومیت جزائی منتفی می‌شود. مطابق بند ۳ ماده ۸ قانون آئین دادرسی کیفری عفو عمومی از موارد سقوط دعوی عمومی به شمار می‌آید.

عفو عمومی معمولاً برای جرائمی است که در مواقع انقلابات سیاسی و بحران‌های شدید اجتماعی وقوع می‌یابد، و عده زیادی از افراد جامعه به خاطر مقاصد مشترک سیاسی- اجتماعی در آن شرکت می‌کنند. حق عفو عمومی متعلق به جامعه است.

لذا جامعه می‌تواند بنا به مصالح و مقتضیات از تعقیب مجرمان و حتی از اجرای مجازات مقرر درباره آنان صرف نظر بکند. به عنوان مثال لایحه قانونی رفع آثار محکومیت‌های سیاسی به شماره ۴۰۸ - ۱۳۵۸ / ۱ / ۸ مقرر می‌دارد محکومیت کلیه کسانی به عنوان اتهام اقدام علیه امنیت کشور و اهانت به مقام سلطنت و ضدیت با سلطنت مشروطه و اتهامات سیاسی دیگر تا تاریخ ۱۶ / ۱۱ / ۵۷ به حکم قطعی شده‌اند کان لم یکن تلقی می‌گردد. و کلیه آثار تبعی محکومیت‌های مزبور موقوف‌الاجرا خواهد بود.

و اما در مورد بخش دوم از سوال شما می‌توانم بگویم که، اولاً، عفو عمومی به موجب قانون مقرر می‌شود. شرایط استفاده از عفو قانون تعیین می‌کند در حالی که عفو خصوصی از اختیارات رهبر جمهوری اسلامی است.

دوم اینکه، عفو عمومی می‌تواند در کلیه مراحل دادرسی‌های کیفری، تعقیب متهم و یا اجرای مجازات را متوقف کند، در حالی که، عفو خاص تنها برای محکومیت‌های قطعی قابل‌الاجرا است. سوم اینکه، عفو عمومی جنبه آمرانه دارد. متهم یا



نظر شما در مورد عفو اخیر آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران در مورد بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر چیست؟ آیا این عفو بر اساس قانون صورت گرفت یا بیشتر جنبه سیاسی داشت؟

بنابه آنچه که اعلام شد، عفو آیت‌الله خامنه‌ای در بهمن ماه ۱۴۰۱ با پیشنهاد غلامحسین محسنی اژه‌ای، رییس قوه قضاییه برای آزادی برخی، تاکید می‌کنم که برخی و نه همه معترضان زندانی، محکومان دادگاه‌های عمومی، دادگاه‌های انقلاب و سازمان قضایی نیروهای مسلح صورت گرفت و مورد موافقت آقای خامنه‌ای قرار گرفت. از منظر حقوقی این اقدام کاملاً سیاسی بود و نه حقوقی، اعطای عفو به افراد بازداشت شده و حتی متهمان، از منظر حقوقی نادرست و تنها بازی با کلمات بود.

بر اساس قانون، عفو زمانی معنی دارد که محکومیت قطعی از سوی دادگاه صادر شده باشد، این در حالی است که بسیاری

از معترضین بازداشت شده، حکمی برای آنها در دادگاه صادر نشده بود و در واقع غیرقانونی در بازداشت بودند. در واقع اگر یک فرد معترض مدتی بازداشت و سپس آزاد شود، او عفو نشده، بلکه، به بازداشت احتمالاً غیرقانونی او خاتمه داده شده است. همچنین اگر فردی پس از بازداشت و تشکیل پرونده از سوی ضابط قضایی به دادستانی ارجاع، اما دادسرا او را متهم تشخیص ندهد، این فرد اصطلاحاً منع تعقیب قضایی گرفته و اصطلاح عفو برای او کاملاً اشتباه است. از این پیش، وقتی فردی بازداشت و سپس با تشکیل پرونده در دادسرا تفهیم اتهام شود، اما در دادگاه محکوم نشود، باز هم عفو نشده، بلکه این شخص «تبرئه» شده است.

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهبر جمهوری اسلامی تنها اختیار عفو خصوصی محکومان را دارد و اعطای عفو به متهمان که اساساً اشکالات حقوقی جدی دارد، از اختیارات او نیست. از طرفی عفو بازداشتی یا متهمی که نیازمند توبه‌نامه و ابراز پشیمانی اوست، در حالی که او اساساً در دادگاهی محکوم نشده، خلاف اصل برائت بوده و در تعارض با اصل ۳۷ قانون اساسی ایران است.

گذشته از آنچه که بیان شد، برخی از معترضان که محکومیت قطعی گرفته‌اند و از جمله کسانی که برایشان حکم اعدام صادر شده و به اصطلاح زیر حکم اعدام هستند، نه تنها عفو نشده‌اند بلکه هر آن احتمال اجرای حکم آنها هم وجود دارد.

به نظر بنده این اقدام یعنی آنچه که به نام عفو رهبری از آن نام می‌برند، بیشتر جنبه سیاسی داشت و دو دلیل می‌تواند داشته باشد، اول اینکه تعداد بازداشتی‌ها بسیار بسیار بالا بود و زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها گنجایش این همه بازداشتی را نداشت و حاکمیت هم از لحاظ مالی توان نگهداری آنها را نداشت، دوم اینکه ترس از اعتراض مجدد خانواده‌های بازداشت‌شدگان باعث شد که اقدام به آزاد کردن آنها و در واقع پایان دادن به بازداشت غیرقانونی آنها کنند.

سیروان منصوری

رهبر آورده شده است. در ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هم در ذیل فصل یازدهم که به سقوط مجازات‌ها پرداخته، صرفاً بند ۱۱ ماده ۱۱۰ قانون اساسی تکرار شده است، یعنی در واقع همان چیزی که در بند ۱۱ اصل ۱۱۰ بیان شده بود که عفو و تخفیف مجازات‌ها از اختیارات رهبر است که با پیشنهاد رییس قوه قضاییه اعمال می‌شود، همان را تکرار کرده است. در ماده بعدی یعنی ماده ۹۷ قانون مجازات اسلامی هم، بدون تعریف عفو عمومی، صرفاً با بیان اینکه این نوع از عفو به موجب قانون و در جرایم تعزیری اعطا می‌شود، به آثار این نوع از عفو اشاره شده است. بنابراین همانطور که گفتیم، عفو در قوانین موضوعی فعلی ایران تعریف نشده است و حدود و ثغور آن صرفاً بر اساس احکام مصدق‌ی موجود در قوانین و مقررات قابل تشخیص است.

چند نوع عفو در قوانین جزایی ایران وجود دارد؟

بر اساس مواد ۹۶ و ۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، میت‌وان گفت دو نوع عفو در نظام جزایی ایران وجود دارد: ۱- عفو عمومی، ۲- عفو خصوصی. در ماده ۹۷ قانون مجازات اسلامی به عفو عمومی اشاره شده است و اعمال آن صرفاً در شان و صلاحیت قانونگذار دانسته شده است که البته منحصر به جرایم تعزیری است. در ماده ۹۶ هم هرچند به واژه عفو خصوصی اشاره نشده است، اما همانطور که گفتیم با تکرار بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، عفو یا تخفیف مجازات محکومین، در اختیار مقام رهبری و به پیشنهاد رییس قوه قضاییه مقرر شده است. البته نوعی از عفو را هم که میت‌وان آن را زیرمجموعه عفو خصوصی به شمار آورد، در حدود پیش‌بینی شده، که مبتنی و برگرفته از احکام فقهی است و در ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی به اشاره شده است. به موجب بخش اخیر این ماده، جرایم موجب حد به استثناء قذف و محاربه، اگر با اقرار ثابت شده باشد، دادگاه میت‌واند در صورت توبه مرتکب، حتی پس از اثبات جرم، عفو مجرم را توسط قوه قضاییه از مقام رهبری درخواست نماید و به طور کلی همین ۲ نوع عفو در قانون مجازات اسلامی و قوانین کیفری ما وجود دارد، هرچند که همانطور که گفتیم به

موضوع عفو و تخفیف مجازات محکومین برای جمهوری اسلامی همواره از آن نظر مهم بوده است تا خود را در نزد جامعه به عنوان یک حکومت دارای رافت اسلامی نشان دهد، خصوصاً آنکه بیشتر این عفو‌ها در مناسبت‌ها و اعیاد مذهبی صورت می‌گیرد. از این رو با تصویب یک آیین‌نامه، یک کمیسیون را تحت عنوان کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین در سال ۱۳۸۷ تشکیل داد که هم در استانها و هم در مرکز کشور وجود دارد و با شناسایی محکومین واجد شرایط عفو و تهیه یک لیست به رییس قوه قضاییه قدم نخست را برمی‌دارد تا رییس قوه قضاییه هم با پیشنهاد آن به رهبر و تایید رهبر حکومت، قابلیت اجرایی پیدا کند. هرچند، هم در قانون اساسی و هم در قانون مجازات اسلامی، به این امر تاکید شده است، اما استثناهایی را هم در نظر گرفته که شامل عفو و بخشدگی نخواهند شد. این عفو‌ها به دو صورت عمومی و خصوصی تقسیم‌بندی شده که هرکدام مکانیسم خاص خود را دارد. برای درک بهتر این مساله و مفاد قانونی آن، همچنین رویکرد حاکمیت نسبت به بحث عفو محکومین و فرآیند قضایی آن، مکانیسم اجرا و مناسبت‌ها و اعیادی که در آنها این عفو‌ها صورت می‌گیرد، همچنین مواردی که شامل این عفو‌ها نمی‌شوند و جزئیات این مساله، با آقای احسان حقی، وکیل دادگستری و عضو کانون وکلای دادگستری مرکز، گفتگویی انجام داده‌ایم و از منظر حقوقی و قضایی، دیدگاه ایشان را در رابطه با این مساله جویا شدیم:

عفو در قوانین جزایی و کیفری ایران چگونه تعریف شده است؟

با اینکه نهاد عفو در نظام کیفری ایران وجود دارد و در قوانین و مقررات جزایی مختلف، به آن اشاره شده است، اما تعریفی از عفو در قوانین موضوعه به عمل نیامده است. در بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی که در مقام بیان وظایف و اختیارات رهبر است، عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی، پس از پیشنهاد رییس قوه قضاییه، در شمار اختیارات

چه کسانی در ایران مطابق قانون حق عفو محکومین را دارند



طور کامل و به طور شفاف این ۲ نوع از عفو تعریف نشده است.

قانون عفو و تخفیف مجازات محکومان چیست؟

در قوانین موضوعی ایران، قانونی تحت عنوان قانون عفو و تخفیف مجازات محکومین نداریم، صرفاً آیین‌نامه‌ای که در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۱۲ به امضا رییس وقت قوه قضاییه رسیده، وجود دارد که این آیین‌نامه به ساز و کارهای عملی و نحوه اعمال عفو خصوصی می‌پردازد، چون همانطور که گفتیم عفو عمومی صرفاً در شان و صلاحیت قانونگذار است، بنابراین میتوان به طور کلی گفت که ما قانونی به طور خاص در زمینه عفو و تخفیف مجازات محکومین نداریم، مواد پراکنده‌ای در قانون مجازات اسلامی ذیل عنوان عفو وجود دارد و ساز و کارهای این عفو هم در قالب و چهارچوب آیین‌نامه مصوب رییس قوه قضاییه در حال حاضر در نظام کیفری ایران وجود دارد.

چه کسانی مطابق قانون حق عفو محکومین را دارند؟

به موجب قانون از جمله بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و مواد ۹۶ و ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی که قبلاً به آن اشاره شد و به عفو خصوصی در جرایم تعزیری و حدی می‌پردازند، عفو محکومین صرفاً در اختیار رهبر است و در شمار اختیارات رهبر آورده شده است و پیشنهاد این عفو هم از اختیارات رییس قوه قضاییه است. در مورد عفو عمومی هم همانطور که گفتیم به موجب ماده ۹۷ قانون مجازات اسلامی، اعمال این عفو صرفاً در صلاحیت قانونگذار است، یعنی قانونگذار است که میتواند مقرر کند عفو عمومی به بخشی از محکومین تعلق بگیرد و آن دسته از محکومین به طور کلی بدون توجه به اینکه چه کسانی و چه تعدادی هستند، آن تعداد از افراد و محکومین، مورد عفو قرار بگیرند. بنابراین به غیر از قانونگذار در عفو عمومی و رهبر در عفو خصوصی، هیچ نهاد و هیچ مقام دیگری اختیاری در مورد عفو محکومین ندارد.

چه دسته از محکومین می‌توانند از شرایط قانون عفو و یا

تخفیف مجازات استفاده کنند؟

بر اساس قانون اساسی و همچنین قانون مجازات اسلامی، تمامی محکومین می‌توانند مشمول عفو عمومی و خصوصی قرار بگیرند. به عبارت دیگر، قوانین در خصوص بهره‌مندی محکومین از عفو عمومی و خصوصی اطلاق دارد و مقید به نوع و عنوان خاصی از جرایم نیستند. البته متأسفانه در ماده ۲۶ آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین که مصوب رییس قوه قضاییه است و اصولاً نباید و نمیتواند مغایر با قوانین باشد، این اطلاق نادیده گرفته شده و برخی از مجرمین و محکومین از جمله: قاچاقچیان حرفه‌ای، سارقین مسلح، مرتکبین جرایم جاسوسی، قاچاق سلاح و مهمات، اختلاس، ارتشا، آدم‌ربایی، از شمول برخوردار از عفو خارج شده‌اند که این امر چون باعث محدود کردن دایره شمول قانون می‌شود و خارج از صلاحیت رییس قوه قضاییه وقت بوده، برخلاف قانون و نامعتبر است و بنابراین اگر به قانون توجه کنیم، تمامی محکومین بدون توجه به نوع محکومیت و بدون توجه به عنوان محکومیت‌شان، عنوان جزایی که به اتهام آن محکوم شده‌اند، حق برخوردار از عفو خصوصی و عمومی را دارا هستند و محدود کردن این دایره و مقید کردن این اطلاق قانونی، برخلاف قانون است.

مکانیسم اجرای این قانون به چه صورتی است؟

اگر منظور آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب رییس قوه قضاییه است، به طور کلی به این صورت است که کمیسیون‌هایی در مرکز هر استان متشکل از پنج نفر از قضات تشکیل می‌شود که درخواست‌های عفو را دریافت می‌کنند و آنها را برای کمیسیون مرکزی ارسال می‌کنند، کمیسیون مرکزی هم پس از بررسی این پیشنهادهای، موارد مورد تایید را برای رییس قوه قضاییه ارسال می‌کند و رییس قوه قضاییه هم در اعیاد و ایامی که در آیین‌نامه مشخص شده است، پیشنهاد عفو را به مقام رهبری تقدیم می‌کند و در صورت تایید مقام رهبری، عفو پیشنهادی مورد اجرا قرار می‌گیرد.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
ایران / محمود امیری مقدم
سردبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net